

مراسم ساده ازدواج در اسلام

از مطالعه قوانین اسلامی راجع بحقوق خانواده این نتیجه بدست می‌آید که اسلام ازدواج را اساس تشکیل واحدهای کوچک خانواده و در نتیجه جامعه بزرگ و مترقی اسلامی قراردادده است .

تشکیل واحدهای کوچک خانواده را نیز بر اساس مهر و مودت و عواطف انسانی و حصول آرامش و سکون در میان خانواده‌ها (ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها وجعل بینکم موده ورحمة الروم آیه ۲۱) و حفظ نسل و بقاء نوع و در ضمن آن ارضای غرائز جنسی بنحو صحیح و معتدل که در تأمین سلامت جسم و جان امری لازم می‌باشد ، مقرر کرده و فرمول سعادت خانواده‌ها و جامعه اسلامی را با تدوین حقوق دیگر خانوادگی که در محل خود آنها را ذکر خواهیم کرد معین نموده است .

اسلام در طی قوانین جامع خود در هر مورد حتی در غیر مورد خانواده نیز ، در حفظ این اصول کوشیده و قانونی برخلاف این اهداف عالی ذکر نکرده است ، راستی این هم آهنگی قوانین اسلام با همه دیگر یکی از شاهکارهای قوانین اسلام بوده ، حکایت از صدق و صحت آنها کرده یکی از امتیازات بارز اسلام در قبال سایر ادیان و قوانین موضوعه بشری بشمار میرود . از اینجا است که اسلام در قوانین خود از ازدواج تعبیرات لطیف و پر معنی ذکر کرده است مثلاً قرآن مجید از ازدواج بعنوان «**میثاق غلیظ**» یعنی پیمان محکم تعبیر آورده است (.. واخذن منکم میثاقاً غلیظاً النساء آیه ۲۱) .

از این تعبیر لطیف و سایر تعبیرها از قبیل سکون و مودت و غیر آن در مقام بیان هدف ازدواج و فواید آن که در قرآن مجید و اخبار ذکر گردیده ، استفاده می‌شود که اسلام ازدواج را بعنوان عهد و عتدو قرارداد شروع بکزندگی شیرین خانوادگی بر اساس تفاهم و همکاری همه

جانبه وسكون و آرامش می داند و بدینوسیله شخصیت هر يك از زن و مرد را حفظ کرده، زناشویی را بعنوان معامله و خرید و فروش و تحمیل عقاید دینی و غیر آن بر یکدیگر نمی داند و تنها بر اساس رقیق ترین عواطف انسانی بین زن و شوهر بعنوان «مودت» و «سكون» و «هیثاق غلیظه» تعبیر می آورد و آنها را امری مستحب و نیکو می شمارد و طی دستورات جامعی در توسعه ازدواج و تشکیل خانواده در میان مسلمانها برای تحقق اهداف عالی خانوادگی کوشیده است .

روی این حساب اسلام ، سعی می کند موانع غیر اصولی در سر راه ازدواج و تشکیل خانواده پیدانمیشود و لذا بیبانه فقر و ناداری و غیر آن ، فرار از زناشویی و شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت خانواده و تربیت فرزندان بر و مندر را کار خوبی نمی داند . و اعذار غیر موجه از قبیل آزادی بی بندوبار و اشباع قوای جنسی را بنحو صحیح و غیر طبیعی ممنوع می - شمارد و از هر طریق و بهر عنوانی ایجاد مانع و اشکال تراشی در سر راه تشکیل طبیعی خانواده و خودداری از زناشویی را نکوهش می کند .

اسلام در ازدواج تشریفات غیر لازم و مراسم دشوار و پر دردسر مجالس جشن را که اغلب موجب صعوبت و سختی اقدام بر ازدواج می باشد نارد و می داند و ایجاد مراسم خاصی غیر از ایجاب و قبول و سایر شرایط سهل و آسان که در کتب فقه عنوان شده و فقهاء نیز طبق آن فتوی داده اند ، شرائطی را معتبر نمی داند .

آری اسلام اهمیت بیشتری در انتخاب همسر و خصوصیات روحی و خانوادگی و اصلت و نجابت فامیلی آن می دهد و لکن بعد از اینکه این مقدمات تمام شد ، دیگر در ایجاد مراسم شرعی ، دستورات ساده و آسانی را مقرر کرده است و لذا اگر طرفین عقد ازدواج نتوانند خود ، اجرای عقد کنند اجازه می دهد وکیل یا ولی و هر کس دیگری که می تواند عقد را صحیح جاری کند ، اجراء عقد بنماید .

البته علت اینکه اسلام این گونه شرائط را در تحقق ازدواج معتبر دانسته اینست که از اختلاط مطلق و آزادی بی بندوبار و روابط غیر مشروع که موجب فساد و تباهی جامعه می شود جلوگیری نماید و برای ازدواج موجودیتی و اعتباری قائل گردد و از اینرو اسلام ضیافت متناسبی (ولیمه) را در مورد ازدواج بجهت اعلام رسمیت آن و تجلیل از اقدام بتشکیل خانواده کاری نیکو و مستحب دانسته و لکن امری لازم بشمار نیاورده است و حتی مراسم خواستگاری را بعد از تحقیقات از خصوصیات اخلاقی و امتیازات جسمی ، جزو عقد ندانسته و احکام عقد ازدواج بر آن بار نکرده است .

طریق زناشویی در حقوق روم و یونان همان اندازه که اسلام را اقدام به تشکیل خانواده را هموار کرده و موانع غیر لازم و یا

مضرا از سر راه آن برداشته است بهمان اندازه بسیاری از جوامع دیگر تشریفات غیر لازم در ایجاد امر ازدواج معتبر دانسته اند و همین تشریفات غیر لازم بلکه زیان بخش سبب گردیده است که جوانان از ناشوئی که امری طبیعی بشمار میرود خودداری کرده و بطریق غیر مشروع قوای جنسی را ارضاء نمایند .

در اینجا لازمست اجمالی از تشریفات و مراسم غیر لازم در میان اقوام رادر طول تاریخ بشر یاد آور شویم تا معلوم شود اسلام چه قوانین محکم و مثرقی در استحکام اساس خانواده جعل کرده است :

انطالعه طریقه ازدواج در حقوق روم استفاده می شود که زناشوئی رسمی بیکی از سه طریقه زیر صورت می گرفت :

۱ - انتقال زوجه از خانه پدر بخانواده شوهر

در این طریقه زن از تحت نفوذ رئیس و بزرگ خانواده خود خارج و در تحت نفوذ خانواده شوهر داخل می گشت و این طرز ازدواج توأم با یک سلسله از تشریفات و آداب خاصی است که برای عملی شدن این انتقال باید عملی گردد باین ترتیب دختر و پدر شوهر یا خود شوهر در محضر قاضی حاضر شده ادعیه و اوراد معینی خوانده می شود سپس دختر در همان مجلس تغییر مذهب داده تابع رئیس خانواده جدید بوده ، خدایان آن خانواده را پرستش می کند .

۲ - انتقال حقوق و اختیارات

در این طریقه از ازدواج معامله خاصی صورت گرفته پدر دختر و شوهر و یا پدر شوهر دختر را مورد معامله قرار می دهند و طی تشریفات کلیه حقوق و اختیارات خود را که نسبت به دختر خود داشت به شوهر یا پدر شوهر انتقال می داد و در اکثر اوقات پول زیادی در مقابل این انتقال می گرفت . بالاتر از این دو ، اگر مرد می توانست زنی را بهر عنوان بخانه خود برده با او هم بستر شود و او را لااقل تا یکسال در خانه خود نگاه دارد همسر او محسوب می شد و اگر زن مذکور می توانست سه شب متوالی از هم بستری سر به پیچید دیگر همسر آن مرد نبود .

در یونان قدیم نیز در اثر تحولات اجتماعی بجای اختلاط ، ازدواج مشروع توأم با تشریفات خاصی بود :

۱ - تشریفات که بایستی جلو آتشگاه خانواده پدري ، انجام می گرفت که در طی آن پدر حقوق راجع بدختر خود را در مقابل پول نقد یا هدیه ای که از داماد گرفته بود بسوی انتقال می داد .

۲ - تشریفات که در فاصله بین خانه عروس و داماد در معبر عام ، انجام می گرفت ، عروس لباس سفیدی بر تن داشت و بر ارا به ای می نشست ، کاهنان خاصی جلوعروس ، مشعل را حرکت می دادند و سرود می خواندند در مدخل خانه داماد ، عروس چنین تظاهر می کرد که به داخل

شدن در خانه داماد رغبت ندارد بایستی داماد نیز چنین وانمود کند که بزور او را وارد خانه خود ساخته است در این هنگام دختر بایستی فریاد کرده از همراهان استمداد نماید و همراهان عروس نیز ظاهراً از او دفاع می کردند و بالاخره داماد موفق می شد و قسمتی از تشریفات نیز در خانه داماد با حضور زوجین و سایر افراد خانواده در جلو آتشگاه مقدس خانوادگی، انجام می گرفت، در این موقع قربانی می کردند و دعاهای مخصوصی می خواندند در بعضی از جوامع و طوائف باین نیز اکتفا نکرده و این مراسم بصورت وحشیانه و هولناکی انجام می گرفت مثلاً در «استرالیا» تا چندی قبل طرز زناشویی این بود که مرد در اطراف قبیله کمین کرده همین که زنی را تنها و دور از کسانش می دید با حمله کرده با چماق ضربت سختی با او وارد نموده او را بیهوش می کرد! سپس گیسوانش را گرفته کشان کشان در دیک قبیله خود می آورد، بعد یکی دو ساعت او را رهایی ساخت تا بحال خود باز آید، پس از بهبودی با و تکلیف می کرد که دنبال او بخانه اش بیاید و همسرا شود. بعد از ربودن زن، مردان دو قبیله با هم کنار می آمدند و باین ترتیب که روزمینی، بزرگان دو طائفه در محل معینی جمع شده جوانان قبیله عروس، باتیر و کمان بداماد تیراندازی می کردند، داماد سهر بر سر می کشید، مخصوصاً دعایت می کردند تیر بداماد اصابت نکنند پس از چند دقیقه جنگ تمام صلح برقرار می شد، در این موقع داماد کسان عروس را مهمانی می کرد و گاهی برای تحقق صلح پس از مهمانی عروس و داماد را به درختی بسته یک دندان آبیاب از هر دو می شکستند!! (۱)

بر خوانندگان پوشیده نیست که این گونه ازدواجها که در میان جوامع بشری بعنوان مراسم مذهبی از زمانهای قدیم معمول بوده است چه مشکلات و ناملایمات زیادی را پیش می آورد بطوریکه از تواریخ استفاده می شود اغلب جوانان این گونه جوامع، از گرفتن زن خودداری می کردند و چه بسا بوسیله اختلاط مردان و زنان قوای جنسی خود را اشباع می نمودند و بآوردن مبلنی زنان رقفا و دوستان خود را برای مدت معینی اجاره می کردند!! (۲)

(۲۰۱) حقوق زن در اسلام و اروپا.

(بقیه از ص ۲۰) در بلغارستان پیش از نفوذ کمونیسم، مدارس دینی، مدارس برای حفظ قرآن مجید، و در حدود ۱۵۰۰ مسجد وجود داشت که متأسفانه اغلب آنها بویرانه تبدیل شده است (۱). آخرین آمار رسمی درباره نفوس این سرزمین و تعداد مسلمانان آن نشان می دهد که جمعیت بلغارستان در حدود ۸ میلیون نفر است و تعداد مسلمانان ۱۴ درصد، یعنی بالغ بر ۱۱۲۰۰۰۰ نفر است (۲) در بین این مسلمانان، اقلیتی شیعه قزلباش زندگی میکنند که بیشتر در شهر «قسطنجه» بسر می برند (۳).

(۱): رجوع شود بمقاله: Islam in Europe in Eastern Europe در مجله ماهانه Islamic Review مورخ 1951' May، چاپ لندن. و کتاب المسلمون فی العالم الیوم ج ۵، چاپ قاهره ۱۹۶۰، صفحه ۴۴. (۲): کتاب World Muslim Gazetteer چاپ پاکستان صفحه ۵۶۰. (۳): المسلمون فی العالم الیوم ج ۵ ص ۴۳.